

آثار الزامات کنوانسیون تنوع زیستی بر قراردادهای انتقال فناوری زیستی

ابراهیم عبدی‌پور فرد^{۱*}، سید جعفر موسوی^۲

۱. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه قم

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۰۳)

چکیده

پذیرش کنوانسیون تنوع زیستی برخی تعهدات را برای کشورهای عضو، از جمله ایران، در قراردادهای دسترسی و تقسیم منافع ناشی از منابع ژنتیک در قلمرو آن کشورها ایجاد می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد قراردادهای انتقال فناوری زیستی، برخلاف سایر حوزه‌های مالکیت فکری، وضعیتی ویژه دارند و تابع الزامات کنوانسیون تنوع زیستی، به‌ویژه الزامات ناشی از ماده ۱۶ کنوانسیون مذکور، مانند رضایت آگاهانه کشور تأمین‌کننده منابع ژنتیک، و شروط مورد توافق طرفین هستند. در این مقاله، با توجه به عضویت دولت ایران در کنوانسیون تنوع زیستی، الزامات یادشده، ضوابط و معیارهای رعایت این الزامات در قراردادهای انتقال فناوری زیستی، و همچنین آثار حقوقی آن‌ها بر قراردادهای مزبور بررسی و مشخص می‌شود که این دسته از قراردادها، به جهت حاکمیت الزامات کنوانسیون تنوع زیستی، ماهیتی خاص و آثار و احکامی متفاوت با نظام حقوق سنتی قراردادها دارند.

واژگان کلیدی

انتقال فناوری زیستی، دسترسی، قرارداد، کنوانسیون تنوع زیستی، منابع ژنتیک.

* نویسنده مسئول، رایانامه: e.abdipour@qom.ac.ir

مقدمه

براساس تعریف ماده ۲ کنوانسیون تنوع زیستی، بیوتکنولوژی شامل هر نوع کاربرد فناوری است که سیستم‌های زیست‌شناسانه، ارگانیسم‌های زنده، یا مشتقات آن‌ها را برای تولید یا اصلاح محصولات یا فرایندهای مربوط به کاربرد خاص به کار می‌گیرد. بر این اساس، بیوتکنولوژی شامل ارگانیسم‌های زنده، مانند گیاهان و حیوانات و میکروارگانیسم‌ها، و نیز مواد بیولوژی غیرزنده، نظیر سلول‌ها و پلاسمیدها، می‌شود (راسخ، ۱۳۸۳: ۱۳؛ صادقی، ۱۳۸۷: ۶۱).

حاکمیت کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا بر قراردادهای دسترسی به منابع ژنتیک و قراردادهای دسترسی و انتقال منافع حاصل از کاربرد منابع مزبور، به‌ویژه فناوری زیستی حاصل از کاربرد منابع ژنتیک، موجب شده این قراردادها، به جهت ارتباط با حقوق دولت‌ها و اشخاص و جوامع ذی‌نفع در منابع ژنتیک، محیط زیست و دانش سنتی بومی، آثار و ضمانت اجرایی ویژه‌ای بیابد.

در این پژوهش، در پاسخ به این موضوع که آثار الزامات کنوانسیون تنوع زیستی بر قراردادهای انتقال فناوری زیستی چیست، ابتدا رویکرد کنوانسیون تنوع زیستی در زمینه حقوق و تکالیف مالکان بیوتکنولوژی و دانش فنی مرتبط با حفظ و بهره‌برداری از منابع ژنتیک و ضرورت رعایت الزامات آن سند در قراردادهای انتقال زیست فناوری تحلیل می‌شود. سپس، با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون تنوع زیستی، از سال ۱۳۷۵ ش، آثار حقوقی الزامات کنوانسیون تنوع زیستی بر قراردادهای انتقال فناوری زیستی، با در نظر گرفتن قوانین و مقررات ایران، به روش توصیفی - تحلیلی، با توجه به قوانین حقوقی کشورهای مختلف، بررسی می‌شود. گفتنی است تاکنون هیچ‌گونه تحقیقی در خصوص وضعیت حقوقی قراردادهای انتقال زیست فناوری در حوزه حقوق ایران، از جهت بررسی آثار الزامات کنوانسیون تنوع زیستی بر این دسته از قراردادها، صورت نگرفته است و عمده پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص چگونگی ثبت اختراعات بیوتکنولوژی یا نحوه حمایت از تنوع زیستی با استفاده از روش‌های حمایت از نوآوری‌هاست.

رویکرد کنوانسیون تنوع زیستی

در ماده ۱ کنوانسیون تنوع زیستی، سهم شدن عادلانه و برابر در مزایای حاصل از کاربرد منابع ژنتیک، از جمله انتقال صحیح تکنولوژی‌های مربوطه، یکی از اهداف سه‌گانه کنوانسیون ذکر شده است. ازین‌رو، به موجب ماده ۱۶ کنوانسیون، دسترسی به بیوتکنولوژی و انتقال آن به کشورهای عضو از عناصر اساسی نیل به اهداف کنوانسیون است و کشورهای عضو مکلف شده‌اند تسهیلات لازم را به منظور دسترسی و انتقال تکنولوژی‌های حفظ محیط زیست و استفاده پایدار از گونه‌های زیستی فراهم کنند. در بند ۲ ماده ۱۶ نیز بر ضرورت انتقال تکنولوژی به کشورهای در حال توسعه، براساس شرایط عادلانه و بسیار مطلوب، از جمله شرایط اعطایی و ترجیحی مورد توافق طرفین، تأکید شده است. بنابراین، رویکرد کنوانسیون رویکردی عمدتاً غیرتجاری و مبتنی بر حمایت از اصل حاکمیت کشورها و جوامع فقیر بر منابع ژنتیک خود، با تکیه بر استفاده پایدار و مناسب از محیط زیست، براساس مبادله منابع ژنتیک در مقابل منافع حاصل از آنها، اعم از فناوری و منافع مالی و آموزش و مشارکت در پژوهش، است (Rimmer, 2009:154; CPCBD, 2004: 38).

بر این اساس، نمایندگان کشورهای جنوب برآن‌اند که به منظور حمایت از منابع ژنتیک کشورهای عضو و در جهت اجرای الزامات کنوانسیون تنوع زیستی لازم است بند ۳ ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس اصلاح شود (مؤمنی‌راد و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۴۲). بنابراین، ضرورت رعایت شرایط کنوانسیون تنوع زیستی در قراردادهای انتقال زیست فناوری از چنان اهمیتی برخوردار است که طرفین قرارداد نمی‌توانند خلاف آن توافق کنند و الزامات کنوانسیون را نادیده انگارند. زیرا، اولاً شروط و تکالیف کنوانسیون جزء تعهدات کشورهای عضو است که در مقررات داخلی خود مکلف به تبعیت از آنها هستند؛ پس، شروط مزبور جزء امور حاکمیتی و الزام‌آور است. ثانیاً، با توجه به اینکه روش حقوقی دستیابی به فناوری زیستی در اشکال مختلف از طریق تنظیم قراردادهای دسترسی صورت می‌پذیرد، طرفین قرارداد مکلف به رعایت الزامات کنوانسیون تنوع زیستی‌اند. در این صورت، با توجه به اوصاف خاص این دسته از قراردادها، اعمال شروط مزبور در آنها موجب خواهد شد وضعیتی ویژه‌ای بیابند؛ که در ادامه بررسی می‌شود.

الزامات کنوانسیون تنوع زیستی

فناوری دانش و توان انحصاری چگونه تولیدکردن یک محصول صنعتی جدید یا دانش و توان انحصاری فرایند تولید آن محصول یا ترکیبی از این دو است (حسنی افروز، ۱۳۹۰: ۶۷). از سوی دیگر، انتقال فناوری مجموعه اقداماتی است که تداوم توسعه تکنولوژیک را پس از دریافت فناوری در بستری مشروع به منظور تحقق اهدافی معین با تأکید بر حقوق و تعهدات انتقال‌دهنده و گیرنده فناوری تضمین می‌کند (رهبری، ۱۳۹۲: ۲۳). در حوزه فناوری‌های زیستی نیز تکنولوژی وصفی مجزا از سایر فناوری‌ها ندارد. لیکن، به جهت ارتباط این دسته از فناوری‌ها با موضوعات زیست‌محیطی و بهداشتی و حاکمیتی و در نتیجه ضرورت رعایت برخی الزامات ناشی از معاهدات بین‌المللی، به‌ویژه کنوانسیون تنوع زیستی، قراردادهای انتقال فناوری‌های زیستی (به معنای عام) اوصافی خاص دارند که موجب تمایز آن‌ها از سایر قراردادهای انتقال فناوری شده است. به‌موجب مواد پروتکل ناگویا، درباره دسترسی به منابع ژنتیکی و تسهیم عادلانه و منصفانه منافع حاصل از آن‌ها، به‌ویژه ماده ۱ آن، همه کشورهای عضو مکلف به حفظ حقوق دیگر کشورهای عضو بر منابع متعلق به آن‌ها، از طریق نظارت بر رعایت الزامات کنوانسیون تنوع زیستی در محدوده قلمرو خود، هستند.^۱ بنابراین، با توجه به الزامی بودن مقررات فوق، ضمن تبیین الزامات کنوانسیون تنوع زیستی، آثار آن‌ها را بر این دسته از قراردادها بررسی می‌شود.

بدیهی است الزامات کنوانسیون سی‌بی‌دی در حقوق کشورهای عضو الزاماتی قانونی‌اند و همانند سایر شرایط صحت و اعتبار قرارداد و سایر مقررات امری مرتبط با طبیعت و موضوع قراردادهای انتقال زیست فناوری، برای طرفین قرارداد الزام‌آور و لازم‌الرعايه‌اند و آزادی اراده آن‌ها را محدود می‌کنند و طرفین نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند. بنابراین، عدم رعایت این الزامات می‌تواند در وضعیت قرارداد و اعتبار آن مؤثر باشد. علاوه بر آن، این الزامات در حقوق و تعهدات طرفین در برابر یک‌دیگر و در برابر اشخاص ثالث، به‌ویژه کشورهای مالک منابع زیستی و ژنتیکی، مؤثر است و نقض آن به اعمال شیوه‌های جبران خسارت اشخاص ذی‌نفع، علاوه بر طرفین قرارداد، منجر می‌شود.

۱. دولت ایران در سال ۱۳۹۳ به پروتکل ناگویا ملحق شده است.

لزوم کسب گواهی رضایت آگاهانه کشور منبع یا منشأ منابع ژنتیک (PIC)

ضرورت کسب رضایت آگاهانه پیشین از سوی کنوانسیون تنوع زیستی و با هدف ارزیابی مخاطرات احتمالی ناشی از پژوهش در حوزه منابع ژنتیک مقرر شده است. براساس آن، مقام ذیصلاح کشور تأمین‌کننده منابع زیستی باید از برنامه پژوهشی مورد نظر استفاده‌کننده مطلع باشد. از سوی دیگر، استفاده‌کننده از منابع ژنتیک باید همه اطلاعات لازم را فراهم آورد و اطمینان حاصل کند که تأمین‌کننده به این اطلاعات دست یافته است. در نتیجه، با صدور گواهی رضایت آگاهانه، هر گونه ادعای جهل به موضوع معامله یا تدلیس در اصل یا اوصاف مورد معامله از سوی تأمین‌کننده دشوار خواهد بود (Biber-klemm & Martinez, 2006: 12).

در مقررات دستورالعمل‌های اختیاری بُن نیز، که با هدف متحدالشکل کردن مفاد قراردادهای دسترسی تنظیم شده است، بر لزوم ارائه گواهی کسب رضایت آگاهانه پیشین، به منزله یکی از شروط مقدماتی، در همه قراردادهای دسترسی به منابع ژنتیک تأکید شده است. از این رو، در بندهای مختلف دستورالعمل‌های بُن بر لزوم شفاف‌بودن موضوع رضایت آگاهانه، نظیر تصریح به نوع گونه‌های زیستی و عملیات مورد نظر و برنامه استفاده‌کننده جهت دستیابی به منابع ژنتیک، تأکید شده است و کشورهای عضو به تهیه ضمانت‌اجراهای قانونی به منظور جلوگیری از دسترسی بدون اخذ گواهی رضایت آگاهانه پیشین کشور منبع تشویق شده‌اند (دستورالعمل‌های اختیاری بُن، بندهای ۱۵ - ۳۴).

گواهی رضایت آگاهانه از جهت توصیف موضوع معامله و رفع ابهام از آن در قرارداد دسترسی به منابع نقشی تعیین‌کننده دارد؛ به نحوی که نه تنها خود قرارداد دسترسی، بلکه قرارداد انتقال زیست فناوری، که محصول قرارداد دسترسی است، از جهت تطابق موضوع، باید منطبق با مجوز رضایت آگاهانه پیشین باشد. اما، نظر به اینکه مالکان فناوری بدون مجوز تأمین‌کننده منابع ژنتیک و پس از تجاری‌سازی فناوری حاصله اقدام به انتقال آن به اشخاص ثالث می‌کنند، وضعیت

حقوقی قراردادهای منعقدۀ با اشخاص ثالث، به جهت عدم رعایت حقوق تأمین‌کننده منابع ژنتیک، محل ابهام است.^۱

رویه قضایی در کشورهای مختلف در این خصوص مسکوت است. بسیاری از کشورها، نظیر استرالیا و برزیل، دسترسی غیرمجاز به منابع زیستی خود را جرم اعلام کرده‌اند. اما، قوانین آنها درخصوص دسترسی غیرمجاز اتباع خود به منابع زیستی دیگر کشورهای عضو مسکوت است (Henninger, 2011: 4).

به باور بعضی از مفسران، موضوع دسترسی غیرمجاز به گونه‌ها یا تخلف از مفاد گواهینامه‌های دسترسی از اسباب لغو گواهینامه اختراع است و به باور برخی دیگر هیچ‌گونه تأثیری درخصوص اصل گواهینامه اختراع ندارد و صرفاً می‌تواند دلیلی برای مطالبه جبران خسارات وارده به مالکان منابع استفاده‌شده باشد. این در حالی است که برخی قانون‌گذاران، از جمله برزیل، تخلف از شرط دسترسی غیرمجاز یا تخلف از مفاد مجوز دسترسی را، برحسب مورد، موجب بطلان یا تعلیق حق اختراع و لیسانس و مجوز بهره‌برداری اعلام کرده‌اند (Brezil, Provisional Act, No. 2. 186 - 16, article 30).

در قانون تنوع زیستی کشور استرالیا ارائه اطلاعات نادرست هنگام کسب مجوز دسترسی، حسب مورد، موجب اصلاح یا بطلان یا تعلیق اجرای مجوز است. در مقررات تنوع زیستی هندوستان و نمونه دستورات عمل‌های کشورهای آفریقایی نیز دسترسی غیرمجاز یا مغایر مجوز دسترسی موجب بطلان مجوز دسترسی می‌شود (Biological Diversity Roulés, 2004, p.15; African Model Legislation for the Protection of the Rights of Local Communities, Farmers & Breeders, 2000, sections 5, 14).

اما، از دیدگاه کشورهای همانند نروژ گواهی رضایت پیشین کشور تأمین‌کننده منابع ژنتیک از شرایط اصلی ثبت اختراع نیست. بنابراین، عدم کسب رضایت آگاهانه یا تخلف از شروط آن خللی در حقوق مخترعان ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر، براساس این پیش‌فرض که رضایت آگاهانه

۱. برای بررسی وضعیت حقوقی حمایت از تنوع زیستی در اختراعات ژنتیک ← احمد مؤمنی‌راد و دیگران، «حمایت از تنوع زیستی و دانش سنتی در نظام جهانی مالکیت فکری»، حقوقی بین‌المللی، ش ۴۹، ۱۳۹۲، ۲۳۳ - ۲۶۲.

پیشین جزء شرایط ماهوی ثبت یک اختراع یعنی ابتکاری بودن و نبودن و کاربردی بودن به لحاظ صنعتی نیست، عدم کسب مجوز دسترسی را نمی توان از اسباب بطلان و عدم اعتبار یک نوآوری تلقی کرد. حتی برخی کشورها طرح ادعای بی اعتباری گواهینامه اختراع را مغایر اهداف کنوانسیون و سبب کاهش انگیزه استفاده کننده جهت به کارگیری ذخایر ژنتیک گونه های زیستی می دانند (Lawson Charles, 2010: 122 – 141).

به هر حال، همانگونه که در اسناد سازمان تجارت جهانی آمده است، رویکرد و رویه حقوقی کشورها در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت حقوق کشور تأمین کننده منابع ژنتیک در قراردادهای انتقال زیست فناوری چندان روشن نیست (WTO document WT/GC/W/566, (TN/C/W/42 and IP/C/W/473 of 14 June 2006).

با وجود این، می توان با وحدت ملاک از گواهینامه های ثبت اختراعات ژنتیک درباره قراردادهای انتقال زیست فناوری نیز چنین استدلال کرد که اگرچه رضایت آگاهانه و پیشین کشور منبع ژنتیک جزء شرایط سه گانه ثبت اختراع نیست، نظر به اینکه اطلاعات ژنتیک گونه های زیستی نقشی اساسی در دستیابی به نوآوری ها و فناوری های ژنتیک دارد، به گونه ای که بدون دسترسی به آن ها دستیابی به یک ابداع و نوآوری امکان پذیر نیست، نمی توان شرط مربوط به کسب رضایت آگاهانه را شرطی غیر ماهوی و خارجی در تحقق حقوق ابداعات ژنتیک تلقی کرد. بر این اساس، همه منافع حاصل از کاربرد منابع ژنتیک، از جمله بیوتکنولوژی، حاصل کار بر اطلاعات گونه های زیستی، متعلق به تأمین کننده منابع ژنتیک و پژوهشگر، هر دو، است. پس، دارایی فکری حاصله، مانند قواعد شرکت قهری در اموال ملموس، متعلق به مخترع و تأمین کننده گونه های زیستی است. از این رو، با وحدت ملاک از احکام شرکت در اموال ملموس، هرگونه تصرف و استفاده از اموال مزبور منوط به اجازه مالکان مشاع است^۱ و بر این اساس هرگونه بهره برداری یا انتقال دارایی های ناملموس به اشخاص ثالث بدون رعایت حقوق تأمین کننده موجب عدم نفوذ چنین قراردادهایی می شود. زیرا دست کم بخشی از دارایی فکری موضوع قرارداد متعلق به تأمین کننده است. مثلاً، روش مبارزه با ژن های موجب مقاومت در مقابل علف کش ها در گیاهان با تمرکز بر بخش هایی از

۱. ماده ۵۷۴ قانون مدنی، شرکت قهری، اجتماع حقوق مالکین است که در نتیجه امتزاج یا ارث حاصل می شود.

دی‌ان‌ای آن‌ها به دست آمده است. بنابراین، در مالکیت تأمین‌کننده گونه‌های مزبور در فناوری مبارزه با مقاومت گیاهان در برابر علف‌کش‌ها نباید هیچ تردیدی به خود راه داد. بر همین اساس، دادگاهی در امریکا ارتباط ژن‌های به‌کاررفته در اختراع با کاربرد صنعتی آن را شرط حمایت از حقوق مخترع اعلام کرده است (Storez et al, 2014: 35 - 36). همچنین، در مواردی که استفاده‌کننده از منابع فراتر از موضوع مجوز خود عمل می‌کند، می‌توان چنین قراردادهایی را به تنفیذ تأمین‌کننده منابع ژنتیک به‌کاررفته در ابداع فناوری موضوع انتقال منوط کرد؛ مگر اینکه نقض شرایط دسترسی یا عدم تبعیت از مقررات دسترسی جزئی باشد که در این صورت ممکن است، حسب مورد، استفاده‌کننده به پرداخت بخشی از منافع یا جبران خسارت محکوم شود. زیرا مجوز دسترسی نه تنها در خصوص اصل فعالیت استفاده‌کننده، بلکه در میزان و محدوده فعالیت استفاده‌کننده و نیز در قراردادهایی که به منظور دسترسی به فناوری زیستی حاصل از آن منابع منعقد می‌شوند مؤثر است. با این همه، عدم نفوذ مربوط به فرضی است که اطلاعات فناوری حاصله افشا نشده باشد. در فرض افشای اطلاعات حاصل از منابع ژنتیک نزد انتقال‌گیرنده، مطالبه اختصاص سهمی از منافع حاصله، با توجه به مواد کنوانسیون تنوع زیستی، به‌ویژه اصل حاکمیت کشورها بر منابع ژنتیک خود، می‌تواند پذیرفتنی باشد. زیرا، در این فرض، افشای اطلاعات به منزله اتلاف مال است. در نظام حقوقی کامن‌لا دادگاه‌ها می‌توانند به تنظیم قرارداد جدید به منظور تضمین منافع تأمین‌کننده حکم کنند (Bhatti, et al., 2009: 57-58).

اعتراض دولت کنیا، در پرونده موسوم به استریموفیل، به اقدام یک مؤسسه پژوهشی، که بدون اجازه آن کشور به تجاری‌سازی نتایج تحقیقات و انتقال آن‌ها به اشخاص ثالث اقدام کرد، می‌تواند نمونه‌ای از واکنش دولت‌ها به نقض مجوز دسترسی در نظر گرفته شود؛ که به نظر بعضی از نویسندگان مجوز اصلی به جهت فقدان تراضی باید باطل اعلام می‌شد (Ibid: 58).

لزوم ارائه اسناد توافق طرفین برای دسترسی به منابع ژنتیک (MAT)

پس از صدور مجوز دسترسی و موافقت با طرح استفاده‌کننده، طرفین به تنظیم قراردادی، جهت دسترسی به گونه‌های مورد نظر، اقدام می‌کنند و به موجب آن در خصوص شرایط فی‌مابین، به‌ویژه نحوه تسهیم منافع، به توافق می‌رسند. بنابراین، توافقنامه دسترسی به منابع ژنتیک سندی برای

مشروعیت فعالیت استفاده‌کننده، جهت انتقال منافع حاصله، به‌ویژه فناوری حاصل از کاربرد آن‌ها، به‌شمار می‌رود.

به‌موجب ماده ۱۶ کنوانسیون و مواد ۵ و ۱۹ پروتکل ناگویا، دسترسی به بیوتکنولوژی باید براساس توافق طرفین صورت پذیرد. ازین‌رو، به باور برخی صاحب‌نظران، موضوعاتی نظیر رضایت آگاهانه و توافق طرفین موجب شده در تطبیق نظام دسترسی به منابع ژنتیک و منافع آن با نظام حقوق قراردادهای تردید به‌وجود آید و این موضوع سبب دشواری‌هایی برای توجیه موضوع دسترسی به منابع و منافع ژنتیک در چارچوب حقوق قراردادهای شده است. به باور بعضی از نویسندگان، توافق دسترسی به منابع یک تفاهم‌نامه کلی یا یک پیش‌شرط برای قراردادهای انتقال زیست فناوری است (Tvedt & Young, 2007: 18). با این وصف، لزوم ارائه گواهی توافق با تأمین‌کننده از اوامر قانونی و حاکمیتی است.

نتیجه اینکه توافق دسترسی به منابع ژنتیک از جهت تعیین حدود فعالیت استفاده‌کننده (معلوم‌بودن موضوع معامله و مشروعیت جهت معامله) و نحوه دستیابی وی به منابع ژنتیک نقشی اساسی در پذیرش تقاضانامه ثبت اختراع و اعتبار هر گونه قراردادی دارد که به‌منظور انتقال زیست فناوری منعقد شده است. بدیهی است تخلف از کسب چنین توافقی از ایرادات اساسی تقاضای ثبت اختراع به‌شمار می‌رود. همچنین، در فرضی که مفاد قرارداد انتقال زیست فناوری، که با استفاده از منابع ژنتیک متعلق به غیر به‌دست آمده است، مغایر با مفاد توافق یادشده باشد، ممکن است حسب مورد موجب بطلان و بی‌اعتباری قرارداد انتقال فناوری شود. زیرا، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، با توجه به مالکیت تأمین‌کننده بر اطلاعات حاصل از منابع متعلق به خود و در نتیجه مالکیت تأمین‌کننده بر هرگونه فناوری حاصل از آن، هرگونه استفاده از ذخایر ژنتیک مربوط به منابع تأمین‌کننده منوط به موافقت وی است.

ازین‌رو، الزام به ارائه قرارداد دسترسی به منابع ژنتیک در همه کشورهای عضو یا عدم آن از دغدغه‌های بسیار مهم تأمین‌کنندگان منابع ژنتیک است. زیرا، به‌رغم اینکه اسناد مزبور از جهت نظارت و ایجاد محدودیت برای استفاده از منابع ژنتیک می‌تواند بسیار مؤثر باشد، در عمل، کشورهای عضو کنوانسیون بدان بی‌میل بوده‌اند. زیرا این کشورها عمدتاً در قوانین خود ضمانت

اجرای مؤثری برای آن در نظر نگرفته‌اند. مثلاً، در قانون تنوع طبیعی نروژ متقاضی ثبت اختراع مکلف به ارائه اسناد رضایت کشور تأمین‌کننده است و در فرض عدم ارائه اسناد مزبور مکلف است نحوه دستیابی به منابع را اعلام کند. اما، درخصوص ضمانت اجرای عدم رعایت شروط مزبور مسکوت است (Norway Nature Diversity Act, 2004: section 60).

پس، توافق دسترسی به منابع ژنتیک نه تنها بر اعتبار قانونی دارایی‌های ناملموس کشورهای عضو کنوانسیون، بلکه بر هرگونه قراردادی که با اشخاص ثالث جهت بهره‌برداری از آن دارایی‌ها یا آن منابع منعقد شود، مؤثر است (Medaglia & Cilva, 2007: 56). بر این اساس، عدم رعایت حقوق تأمین‌کننده در قراردادهای منعقد شده با ثالث، حسب مورد، موجب بطلان یا فسخ قرارداد می‌شود.

افشای نام کشور منبع (یا منشأ) منابع ژنتیک

با توجه به بند ۳ چ، از ماده ۶ پروتکل، افشای نام کشور تأمین‌کننده در تقاضانامه‌های ثبت اختراعات بیوتکنولوژی یا قراردادهای انتقال زیست فناوری، شامل لیسانس‌ها، و انتقال دانش فنی و نظایر آن تأمین‌کننده را قادر می‌سازد بر بهره‌برداری از منافع حاصل از منابع خود نظارت داشته باشد. از سوی دیگر، کشورهای عضوی که فناوری حاصل از منابع متعلق به تأمین‌کننده در قلمرو آن‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، با توجه به تکلیف ناشی از ماده ۵ پروتکل، می‌توانند به‌منظور حفظ حقوق تأمین‌کننده الزامات کنوانسیون را از طریق مطالبه اسناد رضایت آگاهانه و اسناد توافق طرفین اعمال کنند. ازین‌رو، به‌موجب بند ۴ - ۶ قرارداد دسترسی به منابع ژنتیک کشور استرالیا با یک مؤسسه تحقیقاتی، مؤسسه مکلف شده است در همه نتایج حاصله اعلام کند این نتایج با استفاده از منابع ژنتیک کشور استرالیا به‌دست آمده است (Rimmer Matthew, 2009: 182).

افشای نام کشور تأمین‌کننده می‌تواند ضمن سایر الزامات کنوانسیون یا به‌صورت مستقل انجام شود. با وجود این، فاقد ضمانت اجرایی مستقل از دیگر الزامات کنوانسیون است. بنابراین، آثار آن را باید ضمن سایر شروط دسترسی به فناوری زیستی جست‌وجو کرد.

به‌طورکلی، رویکرد کشورها در زمینه عدم افشای نام تأمین‌کننده را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. در گروه نخست، مانند چین و هند و برزیل، عدم افشای نام تأمین‌کننده سبب ابطال حق

اختراع می‌شود. در گروه دوم، مانند نروژ و سوئد، این موضوع سبب مجازات‌های مدنی و کیفری می‌شود بدون اینکه به حقوق ثبت‌شده مخترع خلل وارد کند. در گروه سوم، نظیر آلمان و اسپانیا و اتحادیه اروپا و دانمارک، عدم افشای نام کشور منشأ، به‌رغم تکلیف به افشای نام تأمین‌کننده در قوانین آن‌ها، هیچ مجازاتی برای متخلف در پی ندارد. البته، اینجا منظور از عدم افشای نام تأمین‌کننده منابع عدم کسب مجوز دسترسی به منابع ژنتیک است (Henninger, 2011: 4).

تسهیم عادلانه و منصفانه منافع (زیست فناوری) حاصل از کاربرد منابع ژنتیک

اهمیت تسهیم عادلانه منافع حاصل از کاربرد منابع ژنتیک، به‌ویژه فناوری و دارایی‌های ناملموس، به گونه‌ای است که، در صورت عدم تحقق آن، اهداف دیگر کنوانسیون نیز محقق نخواهد شد. زیرا، در صورت نابرابری طرفین قرارداد، به‌ویژه از جهت دسترسی به فناوری زیستی، انتقال گیرندگان، که عمدتاً کشورهای فقیر و در حال توسعه‌اند، به دلیل عدم دسترسی مناسب و آسان به فناوری زیستی، در وهله نخست قادر به حفاظت از منابع خود نخواهند بود و در وهله دوم، بدون داشتن فناوری مناسب، امکان استفاده پایدار و کسب ثروت از منابع ژنتیک خود را نخواهند داشت. ازین‌رو، ضرورت تبعیت از این شرط را می‌توان به حدی دانست که حتی طرفین قرارداد قادر به توافق برخلاف آن نیستند. زیرا، در صورت امکان توافق برخلاف چنین شروطی در قراردادهای انتقال زیست فناوری، به‌مثابه ابزار اصلی اجرای مفاد کنوانسیون، تعهدات اعضا مبنی بر دسترسی عادلانه به بیوتکنولوژی در کنوانسیون امری بیهوده خواهد بود. با وجود این، دستیابی به ضابطه تسهیم عادلانه و منصفانه در این دسته از قراردادها بسیار مبهم و پیچیده است. زیرا، اولاً، رویکرد اشخاص و شرکت‌های فعال در عرصه بیوتکنولوژی عمدتاً تجاری است و همواره درصدد استثنای خود از مقررات کنوانسیون‌اند. ثانیاً، به دلیل تازگی موضوع و نبود یک رویه قانون‌گذاری و قضایی مناسب در کشورهای عضو، قضات نیز آشنایی چندانی با مفهوم تسهیم عادلانه و منصفانه منافع ندارند؛ به‌خصوص اینکه مفهوم انصاف از مختصات نظام حقوقی کامن‌لا است و در دیگر نظام‌های حقوقی مفهوم آن برای محاکم چندان روشن نیست (Tvedt & Young, 2007: 2, 39). ثالثاً، اعمال ضابطه تسهیم عادلانه و منصفانه در قراردادهای دسترسی به زیست فناوری، به جهت اوصاف خاص منابع ژنتیک، از جهت پراکنده‌بودن آن‌ها در کشورهای مختلف و عدم امکان ردیابی و

نظارت دولت‌ها بر این دسته از دارایی‌ها و در نتیجه غیرانحصاری و غیررقابتی بودن آن‌ها، از موانع اصلی دستیابی تأمین‌کنندگان به سهمی عادلانه از دارایی‌های فکری در این دسته از قراردادهاست (Bram De Jonge, 2010: 131)؛ به‌ویژه آنکه این دسته از قراردادها دارای وصف بین‌المللی است و طرفین آن درکی متفاوت از مفهوم مالکیت و مفاهیم عدالت و انصاف دارند. ازین‌رو، درخصوص اینکه چه معیاری در زمینه دسترسی عادلانه و منصفانه منافع باید در قراردادهای انتقال زیست فناوری اعمال شود، رویه کشورهای عضو روشن نیست. از آنجا که تعهد تسهیم عادلانه جزء تعهدات استفاده‌کننده است و کشورهای استفاده‌کننده معمولاً جزء کشورهای دارای فناوری‌اند، به‌رغم برخی قانون‌گذاری‌ها در این خصوص، این کشورها تمایل چندانی به اعمال الزامات کنوانسیون در عرصه قراردادها یا حتی ثبت اختراعات زیستی با ذکر تأمین‌کننده منابع به‌کاررفته در آن‌ها ندارند. بنابراین، دستیابی به ضابطه‌ای مناسب جهت تسهیم عادلانه و منصفانه منافع در قراردادهای انتقال زیست فناوری، به‌منزله مکانیسم اصلی تقسیم منافع، از چالش‌های مهم کشورهای تأمین‌کننده و متقاضی فناوری زیستی است.

برخلاف تصور برخی نویسندگان، دایره اعمال تقسیم عادلانه و منصفانه منافع ژنتیک محدود به مواردی که تأمین‌کننده منابع خود را در قبال دستیابی به منافع حاصله معاوضه می‌کند، نیست. بنابراین، توسل به نظریه عدالت معاوضی نمی‌تواند در توزیع عادلانه منافع حاصله کارساز باشد (Schroeder, 2007: 207). زیرا، اولاً تعهد اعضا به تسهیم عادلانه و منصفانه منافع صرفاً محدود به مواردی نیست که تأمین‌کننده و استفاده‌کننده در قبال دسترسی به منابع ژنتیک اقدام به عقد قرارداد با یک‌دیگر می‌کنند، بلکه با توجه به اهداف عام و جهان‌شمول کنوانسیون در همه قراردادهایی که موضوع آن‌ها منافع حاصل از کاربرد منابع ژنتیک است کشورهای عضو باید سازوکار دستیابی به اهداف کنوانسیون، از جمله انتقال عادلانه و منصفانه فناوری، را فراهم کنند (Tvedt & Young, 2007: 2). بنابراین، اعمال نظریه عدالت معاوضی، از جهت تناسب در ارزش منابع ژنتیک و فناوری زیستی، به جهت عام‌بودن اهداف کنوانسیون تنوع زیستی، امکان‌پذیر نیست. ثانیاً، با توجه به عمومیت و پراکندگی بسیاری از منابع ژنتیک در کشورها و حتی قاره‌های مختلف، برخلاف دیگر منابع طبیعی، نظیر نفت و زغال‌سنگ، این دسته از منابع عمدتاً فاقد وصف انحصاری‌اند و

رقابت‌پذیر نیستند. ازین‌رو، تأمین‌کنندگان منابع از قدرت معاملی لازم در قراردادهای جهت‌دستیابی به سهم عادلانه‌تر، برخوردار نیستند. مثلاً، گیاه گندم در کشورهای مختلف وجود دارد و بر فرض که استفاده‌کننده درصدد دستیابی به گونه‌ای از آن باشد، با توجه به پراکندگی این گیاه در سراسر جهان، تأمین‌کننده امکان استفاده از ویژگی انحصاری بودن کالای خود را ندارد. در نتیجه، به دلیل سهولت دسترسی استفاده‌کننده به گونه‌ها، تأمین‌کننده قادر به دستیابی به فناوری زیستی، براساس شرایط عادلانه و مطلوب، نخواهد بود. راهکار کنوانسیون جهت اعطای حق حاکمیت به دولت‌ها بر منابع زیستی موضوع قلمرو خود نیز مؤثر نیست. زیرا دولت‌ها، به دلایل مختلف، امکان نظارت و کنترل همه منابع را ندارند تا بتوانند از حقوق خود در این گونه قراردادهای دفاع کنند (Barber &. 2003: 141 – 175).

با توجه به اشکالات نظریه عدالت معاوضی، عده‌ای، با توسل به نظریه استحقاق (به‌منزله ضابطه‌ای جهت اعمال نظریه عدالت توزیعی)، درصدد یافتن روشی برای رفع نقایص نظریه عدالت معاوضی برآمده‌اند.^۱ اما، صرف‌نظر از اینکه معیاری جهت تعیین استحقاق اشخاص و گروه‌ها مختلف وجود ندارد، گستردگی و پراکندگی منابع مزبور مانع از آن است که آن‌ها را مال به حساب آورد تا بتواند مبنایی جهت استحقاق افراد و گروه‌های مختلف برای توزیع عادلانه منافع به‌شمار آید (Hamilton C, 2006: 158 – 173).

بعضی نیز جهت دستیابی به ضابطه‌ای برای دسترسی عادلانه و منصفانه به منافع ژنتیک، از جمله فناوری حاصله، نظریه استحقاق بر مبنای عملکرد افراد و گروه‌های مرتبط را مطرح کرده‌اند.^۲ بر مبنای این اصل، همه کسانی که در مدیریت منابع و فرایند علمی و تجاری‌سازی منافع آن‌ها نقش داشته‌اند، به‌طور عادلانه و منصفانه، در منافع حاصله سهیم‌اند. به همین جهت، در دستورالعمل‌های یُن، ذکر همه کسانی که در مدیریت منابع و فرایند علمی و تجاری‌سازی آن‌ها نقش داشته‌اند ضروری است. اما، تعیین گروه‌های مختلف و میزان عملکرد آن‌ها در حفظ و ارتقای یک محصول از موانع اصلی اعمال نظریه استحقاق براساس شایستگی و نحوه عملکرد افراد است.

1. Princial of Entitlement

2. principal of Desret

مثلاً، سهم یک جامعه بومی ساکن آمازون، که در پرورش گیاهی دارویی، که یک شرکت میلیون‌ها دلار جهت تولید یک نوع ژل پاک‌کننده از آن سرمایه‌گذاری کرده است، چه مقدار خواهد بود؟ بر این اساس، به‌منظور یافتن ضابطه‌ای جهت تعیین سهام گروه‌های فوق نظریه مبتنی بر نیاز مطرح شده است. به‌موجب نظریه نیاز^۱ کالاها باید براساس نیاز اشخاص و گروه‌های مختلف توزیع شوند. با وجود اینکه نظریه نیاز نیز محل تفاسیر و چالش‌های گوناگون قرار گرفته است، اغلب مفسرین درخصوص نیازهای اساسی انسان‌ها، نظیر غذا و مسکن و مراقبت پزشکی، دارای وحدت نظرند. این حقوق حداقل‌های لازم برای یک زندگی شرافتمندانه‌اند و نباید با اصل استحقاق خلط شوند (Feinbery, 1970: 255). براساس این منطق، موضوع نیاز کشورهای فقیر ضرورت توجه به اصل انصاف را توجیه می‌کند. این اصل، ضمن تعدیل اصل عدالت معاوضی و عدالت توزیعی، در نظر دارد، با لحاظ کردن تفاوت‌ها به لحاظ اخلاقی و فرهنگی در موقعیت‌های خاص، به درجه بالاتری از عدالت دست یابد و به معیاری جهت اختصاص سهم بیشتر از منافع ژنتیک به جوامع و گروه‌های فقیرتر برسد (Barry, 1965: 152). بر این مبنا، مسئله مهم‌تر این است که در اعمال ضابطه عدالت در قراردادهای بیوتکنولوژی کدام‌یک از نظریات فوق می‌تواند در تسهیم عادلانه و منصفانه منافع در قراردادهای دسترسی به فناوری ملاک قرار گیرد؟

با توجه به آنچه آمد، می‌توان گفت هیچ‌یک از نظریات فوق به‌طور مطلق قابل اعمال یا قابل رد نیستند. در صورت مواجهه محاکم با دعاوی مربوط به عدم تسهیم عادلانه منافع، می‌توان، با توجه به وضعیت کشور متبوع انتقال‌گیرنده و هدف وی از دسترسی به فناوری زیستی و میزان محرومیت و تفاوت‌های فرهنگی، بدون اینکه صرفاً به شرایط قراردادی طرفین توجه شود، سهمی عادلانه در قرارداد فی‌مابین برای انتقال‌گیرنده تعیین کرد. بنابراین، ضابطه و معیاری واحد جهت دسترسی عادلانه به منافع حاصله، به‌ویژه فناوری زیستی موضوع قرارداد، وجود ندارد و لازم است دادگاه یا مرجع داوری به همه موارد فوق به صورت توأمان توجه کند. بر این اساس، به‌موجب مقررات تنوع زیستی هندوستان، تقسیم عادلانه منافع در هر مورد با موارد دیگر متفاوت و هر یک تابع شرایط خاص خود است. این موضوع می‌تواند ناشی از تقسیم منافع با توجه به اصل نیاز و انصاف

باشد (Indian Biological Diversity Rules, 2004: Article 20). به نظر بعضی از نویسندگان، در فرض تحمیل شروط گزاف و ناعادلانه در قرارداد، دادگاه می‌تواند رأساً اقدام به تعدیل چنین قراردادهایی کند (Tvedt & Young, 2007: 18).

حقوق ایران

به‌رغم عضویت ایران در کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا، در عرصه قانون‌گذاری داخلی، اقدام قابل توجهی درخصوص مسائل حقوقی مربوط به این موضوع صورت نپذیرفته است. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ که سال‌ها پس از عضویت ایران در کنوانسیون تنوع زیستی به تصویب رسید، به‌رغم تعهدات ناشی از آن سند، هیچ اشاره‌ای به ضرورت رعایت الزامات کنوانسیون تنوع زیستی در ثبت ابداعات ژنتیکی نکرده است. اخیراً، با تصویب لایحه حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی کشور^۱، اولاً اطلاعات منابع ژنتیک کشور جزء اموال عمومی محسوب شده است (ماده ۳) و ثانیاً دسترسی به منابع ژنتیکی و بهره‌برداری از آن‌ها تابع آیین‌نامه اجرایی ضوابط دسترسی و نحوه بهره‌برداری از منابع ژنتیکی قرار گرفته است و مقرر شده بعضی از دستگاه‌های دولتی آن را تهیه کنند (ماده ۶). بنابراین، در این لایحه به مکانیسم‌های قراردادی مناسب جهت دسترسی به منابع مزبور و نیز ضرورت رعایت الزامات کنوانسیون در این دسته از قراردادها یا اختراعات ژنتیک هیچ اشاره‌ای نشده است.

رعایت الزامات کنوانسیون تنوع زیستی در قراردادها در نظام حقوقی ایران از چند جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. نخست از جهت تعهد به حفاظت از حقوق کشورهای عضو کنوانسیون درخصوص منابع متعلق به آن‌ها که در قلمرو ایران از آن استفاده می‌شود. در این صورت، عرضه‌کنندگان فناوری زیستی در قلمرو ایران مکلف به ارائه اسناد دسترسی خود به شرح فوق‌اند. زیرا، در غیر این صورت، ممکن است این موضوع سبب مسئولیت طرف ایرانی در مقابل ادعای تأمین‌کنندگانی شود که واگذارنده فناوری زیستی از افشای نام آن‌ها امتناع کرده و اسناد مزبور نیز از وی مطالبه نشده یا اینکه در صورت مطالبه از انطباق کامل اسناد دسترسی با قرارداد

۱. لایحه حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی کشور، مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۱، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به جهت اختلاف نظر درخصوص برخی از مواد آن با شورای نگهبان به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد.

واگذاری فناوری اطمینان حاصل نشده است. دوم الزام واگذارندگان فناوری‌ها، به‌ویژه شرکت‌های بیوتکنولوژی، به انتقال آسان فناوری‌های حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی و استفاده پایدار از آن به اتباع ایرانی متقاضی فناوری‌های مزبور در قراردادهای فی‌مابین براساس الزامات کنوانسیون تنوع زیستی است. سوم الزام کسانی که منافع و فناوری زیستی ناشی از کاربرد منابع ژنتیک ایرانی را تجاری‌سازی و واگذار می‌کنند به رعایت حقوق دولت ایران. به‌هرحال، با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا، براساس ماده ۹ قانون مدنی، رعایت الزامات کنوانسیون تنوع زیستی در قراردادهای انتقال زیست فناوری ضروری است. بدیهی است هرگونه قراردادی در زمینه واگذاری منافع و فناوری زیستی، که بدون رعایت حقوق دولت ایران به عنوان مالک قانونی منابع ژنتیک کشور منعقد شده باشد، با توجه به تحلیلی که پیش‌تر درباره مالکیت تأمین‌کننده بر منابع ژنتیک استفاده‌شده در فناوری موضوع قرارداد ارائه شد، به دلیل نقض مالکیت مشاعی و شراکت قهری دولت ایران در فناوری زیستی و دانش فنی حاصله، غیرنافذ و منوط به تنفیذ مقامات قانونی ایران در دستگاه‌های ذی‌ربط، با حفظ منافع طرف ایرانی، است. با وجود این، در فروضی که فناوری موضوع قرارداد نزد ثالث افشا شده باشد، به علت تلف اطلاعات مزبور، به‌نظر می‌رسد مطالبه خسارت یا اختصاص سهمی از منافع حاصل از بهره‌برداری از فناوری مورد انتقال به دولت ایران می‌تواند راهکاری مؤثرتر باشد. از جهت تأثیرگذاری اسناد دسترسی به منابع ژنتیک بر قراردادهای دسترسی به فناوری‌های حاصل از آنها نیز، به شرحی که پیش‌تر ذکر شد، ضرورت دارد این امر براساس مجوز دسترسی صادره و در چارچوب قرارداد دسترسی به منابع ژنتیک صورت پذیرد. در غیر این صورت، تخلف از مفاد مجوز یا قرارداد دسترسی به منابع ژنتیک، حسب مورد، موجب فسخ یا بطلان قراردادهای بعدی یا حق مطالبه خسارت می‌شود.

نتیجه

رعایت الزامات کنوانسیون تنوع زیستی در قراردادهای انتقال بیوتکنولوژی، با توجه به ماده ۱۶ آن، در صورتی است که اولاً این فناوری‌ها سازگار با محیط زیست باشند یا برای محیط زیست مضر

نباشند. ثانیاً قرارداد در قلمرو کشورهای عضو منعقد شده باشد. این موضوع سبب شده این دسته از قراردادها، به جهت مداخله عناصر حاکمیتی و زیست‌محیطی، ماهیتی دوگانه بیابند. مجوزی که بیانگر کسب رضایت آگاهانه تأمین‌کننده منابع زیستی است، علاوه بر اینکه ابزار اعمال حاکمیت دولت در خصوص دسترسی به گونه‌های تحت حاکمیت خویش است، در تعیین موضوع قرارداد نیز نقشی تعیین‌کننده دارد؛ به گونه‌ای که ابهام در مفاد آن حسب مورد ممکن است سبب فسخ یا بطلان قرارداد یا تکلیف متخلف به پرداخت خسارت باشد. با وجود این، در صورت عدم ارائه اسناد مربوط به اجازه دسترسی به منابع ژنتیک کشور تأمین‌کننده گونه‌های زیستی، که فناوری موضوع قرارداد از مجرای کار بر روی آن‌ها به دست آمده است، رویکرد مبتنی بر عدم نفوذ چنین قراردادهایی به لحاظ حقوقی قابل دفاع است.

اسناد توافق طرفین جهت دسترسی به منابع، ماهیتاً، به منزله قرارداد فی‌مابین استفاده‌کننده با مالکان است و موضوع آن باید منطبق با موضوع مجوز رضایت آگاهانه باشد. عدم رعایت مفاد این مجوز، حسب مورد، ممکن است سبب بطلان یا فسخ قرارداد انتقال فناوری به ثالث، به جهت ابهام در اوصاف اساسی یا اوصاف مهم موضوع قرارداد، شود. البته در فرض افشای اطلاعات منابع ژنتیک نزد ثالث مطالبه بخشی از منافع قرارداد یا دعوی خسارت ارجح به نظر می‌رسد. بدیهی است عدم ارائه اسناد توافق جهت دسترسی به منابع ژنتیک، مانند عدم ارائه اسناد کسب رضایت آگاهانه، موجب عدم نفوذ قراردادهای انتقال فناوری‌های حاصل از منابع مزبور به اشخاص ثالث می‌شود.

مفهوم تسهیم عادلانه و منصفانه منافع و معیارهای آن در مواد کنوانسیون تبیین نشده است. با این وصف، با توجه به اهداف کنوانسیون، مبنی بر حفظ تنوع زیستی و استفاده پایدار از منابع زیستی کشورها و فقرزدایی، تسهیم عادلانه و منصفانه منافع مزبور نمی‌تواند منحصرأ از مجرای نظریه عدالت معاوضی در قراردادها تأمین شود. ازین‌رو، عدم تسهیم عادلانه منافع حاصله و تحمیل شروط ناعادلانه در چنین قراردادهایی از اسباب تعدیل قرارداد است.

در نظام حقوقی ایران موضوع دسترسی به منابع ژنتیک فاقد سابقه حقوقی مؤثر است. اما، با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون تنوع زیستی و پروتکل ناگویا و نیز با عنایت به ماده ۹ قانون

مدنی، عدم ارائه اسناد دسترسی به منابع ژنتیک در قراردادهای انتقال زیست فناوری می‌تواند حسب مورد سبب عدم نفوذ قراردادهای منعقدۀ با ثالث یا مطالبۀ بخشی از منافع حاصله باشد. همچنین، ضروری است به جهت عمل به تعهدات ناشی از کنوانسیون تنوع زیستی و اسناد پیوست آن درخصوص رعایت الزامات ناشی از کنوانسیون بر منابع ژنتیک متعلق به کشورهای عضو، که در قلمرو ایران مورد استفاده قرار می‌گیرند، ضمن الزام به ارائه اسناد دسترسی به منابع ژنتیک به کاررفته در فناوری مورد انتقال توسط انتقال‌دهنده، قانون‌گذاری مناسب صورت پذیرد.



منابع و مأخذ

۱. حسنی افروز، محمد (۱۳۹۰). *قرارداد انتقال تکنولوژی*، تهران، دادگستر.
۲. راسخ، محمد (۱۳۸۳). «بیوتکنولوژی و انسان: مسائل و دیدگاه‌ها»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۴۰، ۹ تا ۹۲.
۳. رهبری، ابراهیم (۱۳۹۲). *حقوق انتقال فناوری*، تهران، سمت.
۴. صادقی، محسن (۱۳۸۷). *حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی*، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۵. مؤمنی‌راد، احمد و علی شهاب‌الدین و ناصر عزیزی (۱۳۹۲). *حمایت از تنوع زیستی و دانش سنتی در نظام جهانی مالکیت فکری*، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۴۹، ۲۳۳ - ۲۶۲.
6. Barry, Brian (1965). *Political Argument*, New York : Routledge and Kegan Paul, reprint originally published.
7. Bhatti, Shakeel, McGuire, Patrick, Young, Tomme, Carrizosa, Santiago (2009). *The Legal and Scientific Implications of Bioprospecting Contracts*, IUCN Environmental Policy and Law Paper No. 67/4, IUCN Publications Services, Rue Mauverney 28, 1196 Gland, Switzerland.
8. Biber – Klemm, Susette, Martinez, Sylvia (2006). *Access and Benefit Sharing: Good practice for academic research on genetic resources*, Switzerland: Swiss Academy of Sciences, first Edition. available at: www.iisd.org/pdf/2006/abs_swiss_abs_good_practice.pdf
9. Biswajit, Dhar (2004). *Access, Benefit Sharing and Intellectual Property Rights*, Centre for WTO Studies, Indian Institute of Foreign Trade, New Delhi. available at: www.lead-journal.org/content/12019.pdf.
10. Brazil, Provisional Act No. 2.186-16, dated August 23, 2001 (Genetic Heritage & Traditional Knowledge). Available at: www.farmerarights.org
11. Bram De Jonge (2010). What is Fair and Equitable Benefit-sharing, *J Agric Environ Ethics*, 24:127-146. available at: www.springerlink.com
12. Feinberg, J (1970). The nature and value of rights, *Journal of Value Enquiry*, issue 4, 243-257. Available at: <https://link.springer.com/article/1>
13. Hamilton, C (2007). Biodiversity, Biopiracy and Benefits: What Allegations of Biopiracy Tell Us About Intellectual Property, *Developing World Bioethics*, 6(3), 158-173.
14. Henninger, Thomas (2011). *Disclosure Requirements in Patent Law and Related Measures*. Available at: <https://www.ictsd.org>
15. Indian Central Government (2004). *Biological Diversity Rules*, New Delhi, available at: genecampaign.org/wp-content.

16. Lawson Charles (2010). *Accessing and Benefit Sharing the Influenza Viruses: The Sting in the Conflict between the CBD and TRIPS*, Cambridge University Press, pp 284-312, available at: <http://ssrn.com/abstract>.
17. Medaglia, Cabrera Jorge and Silva, López Christian (2007). *Addressing the Problems of Access: Protecting Sources, While Giving Users Certainty*, Switzerland: IUCN, Gland, Switzerland in collaboration with the IUCN Environmental Law Center, Bonn, Germany.
18. Norway Natur diversity Act (2004). available at: www.wipo.int
19. OAU Model Law Algeria (2000). *African model legislation for the protection of the rights of local communities, farmers and Breeders and for the regulation of access to biological recourses*, 2000, available at: www.wipo.int/edocs/lexdocs/laws/en/oau/oau001en.pdf.
20. Rimmer, Matthew (2009). The Sorcerer II Expedition: Intellectual Property and Biodiscovery, *MqJICEL V 6*, 147-188. available at : papers.ssrn.com.
21. Schroeder, D. (2007). Benefit sharing: It's time for a definition, *Journal of Medical Ethic*, 33(4), 205-209. Available at: <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/pmc2652775/>
22. Storz ,Ulrich, Quodbach, Martin, Marty, Scott D, Constantine, Derek E & Matthew, Parker (2014). *Biopatent Law: Euorupean vs. US Patent Law*, London: Springer Berlin Heidelberg.
23. Tvedt, Morten Walløe and Young, Tomme Rosanne (2007). *Beyond Access: Exploring Implementation of the Fair and Equitable Sharing Commitment in the CBD*, Gland, Switzerland: IUCN.
24. World Trade Organization (2006). WTO document WT/GC/W/566, TN/C/W/42 and IP/C/W/473, *The Relationship Between The TRIPS Agreement and The Convention on Biological Diversity*, available at: <https://www.wto.org>.